

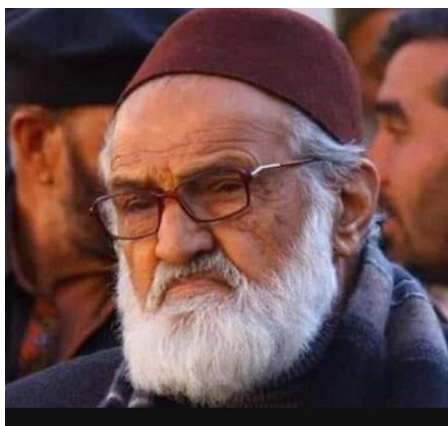
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



تاریخ: ۱۱/۰۶/۲۰۲۰

رفعت حسینی

بزرگداشت بلاهت آمیز در افغانستان



در خاکستان افغانستان نوعی بزرگداشت و تجلیل آغشته به بلاهت ، از آدم ها، بدل به سنت و عنعنه بی خرافی و مبتذل شده است. آدمی را که از دریچه حیثیت و شایستگی شخصیت و پندار هاو کردارهای خجسته، یادر موقفی بسیار عادی و نورمال زیسته ویا آلوده به جنایات انسانی شده است، در آسمان های «خیال» های خویش پروازهای ابلهانه میدهند.

بگونه نمونه:

حفیظ امین وداکترنجیب مرتکب حقیقی، واقعی و مستند کشتار انسانها شدند مگر به آنها لقب اسلامی شهید، از سوی برخی پرچمی ها و خلقی های سابقه داده شده است.

و دو وبسایت در انترنت بنام های

شیر افغانستان نجیب

قهرمان افغانستان امین

از سوی احقمان ساخته شده و (چالان) است.

...

حیدری وجودی نزدیک به پنجاه سال در کتابخانه عامه در کابل کار کرد و معاش گرفت.

کارکرد و دستمزد گرفت.

می توانست شعر بسازد.

شعری ساخت بدینگونه:

گردش چشم سیاه تو خوشم می آید

تن و تن پوش سیاه تو خوشم می آید

درین سروده هیچ چیز بدیع و بی سابقه، بهجوجهی، وجود ندارد که بتوان بران انگشت گذاشت و یاددهانی نمود.

اینگونه بیتها در شعر پارسی، دردرازای سده ها، وجود دارد و به شدت تکرار، و تکرار مکرر، شده است.

آنچه این بیت حیدری را تمایزی داد آن بود که فرهاد دریا بران کمپوزی ساخت و خواند. بس و خلاص. و بدینگونه

برای مدتی ورد زبان خوشدا رهای آواز فریاد دریا گشت.

تعداد اندک شماری بنام شخص شاعر که حیدری وجودی بوده است توجه و دقت کرده اند. برای « عامه» فرهاد دریا

و شیوه دلپذیر خواندن وی مهم بوده است.

درخودشعر حیدری، نکته ممتاز و دلپذیر (شکلی و معنایی) وجود ندارد که شایان اهمیت باشد. شعر بسیار عادی و

سخنی گفتاریست مگر دریک وزن عروضی.

حیدری وجودی سالیان دراز در خانقاه و در دفترکارش، شعرهای مثنوی جلال الدین بلخی و برخی غزل های

عبدالقادر بیدل را در زمینه وحدت وجودی و صوفیگری میخواند. تنها فقط بیتها را بر زبان میراند .

سخنی تازه و نگرشی ویژه به خودش بیان نمی نمود. تکرارها در خلال سالها و سالها را بار دیگر « تکرار» می کرد.

در تکرار نمودن های اوگی ابتکاری و نتیجه گیری مشخص وی هم وجود نمیداشت.

اینگونه (بیانات) درپیرامون مثنوی و جلال الدین و هم شعرهای بیدل در بینش وحدت وجودی در سدها و سدها وسد ها

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

ها کتاب و مقاله در ایران گفته و تکرار و تکرار عیب شده است.
و در افغانستان کتاب (نقد بیدل) صلاح الدین سلجوقی وجود دارد که شایستگی مرور کردن دارد.
مگر پنجاه سال کار در کتابخانه و صحبت کردن درباره مثنوی و وحدت وجودی بیدل و کمپوز فرهاد دریا سبب آن شده
نمی‌توانند که:

در هنگام وفات حیدری او را بالقب هیبتناک و آسمانی «نجم العرفاء» و بزرگمرد و شاعری بیدل بزرگ بدانند و
تجلیل نمایند.

کردار زشت و پلید اجتماعی حیدری وجودی ساختن و بافتن سروده بی می باشد در وصف و مدح و ستایش یک آدم
چپاولگر و آسیب رسان به زیست اجتماعی افغانستان در زمان مجاهدین اسلامی بنام قسیم فهیم.
این شعر حیدری وجودی مایه ننگ و آزر است. از دریچه پنداشت های مدنی و فرهنگی، با این شعر، تجلیل
از شخصیت حیدری کاریست ناشایست و ناروا و غیر عقلانی .
بخوانید:

6 حمل 1393

ای مرد پاسدار جهاد و مقاومت
فرزند نامدار جهاد و مقاومت
ای راه و رهبر خط مسعود قهرمان
سر لشکر تبار جهاد و مقاومت
ای قدردان خامه و شمشیر در نبرد
شخص پُرافتخار جهاد و مقاومت
عشق و خردگرایی و امید داشتی
در کار و کارزار جهاد و مقاومت
شخصیت تو بود درین گیر دار دهر
در زنده‌گی حصار جهاد و مقاومت
جسمت اگر شکست ولی هست جان تو
نیروی پایدار جهاد و مقاومت
اندیشه و شجاعت تو بود و هست و باد
در رزمگه، شعار جهاد و مقاومت
طوفان روزگار نبردت ز جا گهی
ای دژ استوار جهاد و مقاومت
رویینه پیکر تو اگر زیر خاک شد
جانت بود وقار جهاد و مقاومت
خودخواه نساخت منصب اعلی و عالی‌ات
ای مرد خودمدار جهاد و مقاومت
رفتی و داغ خویش به دل‌ها گذاشتی
ای شمع تابدار جهاد و مقاومت
در روز ماتم تو سیه‌پوش گشته‌اند
بوم و بر دیار جهاد و مقاومت
تا نام عشق و عزت و آزاده‌گی به‌جاست
هستی تو یادگار جهاد و مقاومت